



# بزرگداشت نوش آفرین انصاری

○ شیمای مصلحی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از دیگر خدمات خانم انصاری، همکاری با گروهی است که هسته مرکزی کتابخانه مرکزی را تشکیل دادند و ایشان با همکاری مرحوم دانش پژوه و استاد منزوی، یک دوره شناسایی و فهرست نسخ خطی در دانشگاه تهران راه اندازی کردند.

در هر حال، خانم انصاری بعد از سفر ۳ ساله خود برای تحصیل کتابداری، به ایران مراجعت کردند و رسماً در دانشگاه علوم تربیتی، از مؤسسان گروه کتابداری شدند. نکته دیگر این که در سال ۱۳۴۷، هنگامی که پروفسور رضا، رئیس دانشگاه تهران شدند، گفتند که در دانشگاه، علم همیشه باید حرف اول را بزند و به همین دلیل، تصمیم گرفتند افرادی را انتخاب کنند که این افراد صاحب علم باشند و سپس مقام و مناصب ریاست دانشگاه‌ها را به آنها تفویض کردند. مثلاً در دانشگاهی که من تدریس می‌کردم، آقای دکتر سیدحسین نصر را رئیس دانشکده کردند. در حالی که دکتر نصر، ابتدا رئیس کتابخانه بود و همچنین، از خانم انصاری خواستند که عهده‌دار ریاست کتابخانه دانشکده ادبیات بشوند و که ۲ یا ۳ سال در آن جا عهده‌دار مقام ریاست بودند و در همان مدت کوتاه، توانستند تحولی به وجود بیاورند و از روش قفسه باز استفاده کنند. به علت این که دانشجو در میان کتابخانه باشد

مراسم بزرگداشت نوش آفرین انصاری، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و دبیر شورای کتاب کودک، روز یکشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۸۳، در محل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد در این مراسم، جمعی از استادان و کتابداران برجسته، چون دکتر مهدی محقق، استاد بهاء‌الدین خرمشاهی، دکتر عباس حری، حجت‌الاسلام سید محمود دعایی، ثریا قزل‌ایاغ، توران میرهادی حاضر بودند.

مراسم با تلاوت آیاتی چند از قرآن کریم و اعلام برنامه‌ها آغاز شد و سپس دکتر محقق، رئیس هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ضمن تشکر از حاضران در این مراسم، گفت: «اکثر کسانی که در این مجلس حاضرند با خدمات و آثار نوش آفرین انصاری در زمینه کتاب کودک و کتابداری آشنا هستند. ایشان چهل سال پیش، آن گاه که کتابخانه مرکزی دانشگاه تأسیس شد، با مرحوم محمدتقی دانش پژوه همکاری می‌کردند و در آن زمان، هسته مرکزی کتابخانه مرکزی تشکیل شد. مرحوم مجتبی مینوی تعداد ۴ یا ۵ هزار میکروفیلم از ترکیه آوردند و در این چهل ساله، تمام دانش‌پژوهان این مملکت، از این میکروفیلم‌ها استفاده کردند و از جمله خود من که از یکی از این میکروفیلم‌ها برای نوشتن کتاب «وجوه قرآن» استفاده کردم.



ثریا قزل ایاغ

خواند، مشکلی را حل کرد و همواره دست‌های باور و نگاه پرمحبت را به کار گرفت. این چنین در لحظه‌های بحرانی زندگی، بزرگ شدن، والا شدن، از بندهای معمول و دست و پاگیر عقاید متداول رستن او را دیدم. هنوز هم از این همه توان، شگفت‌زده‌ام.»

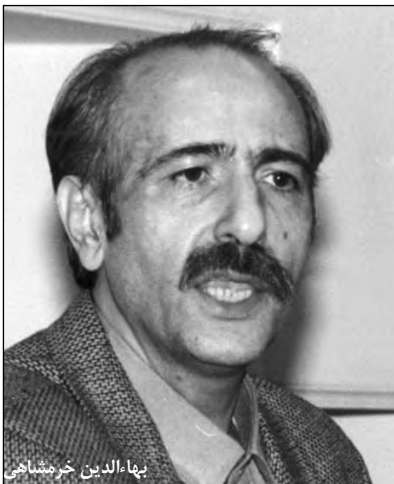
خانم میرهادی، سپس با اشاره به این که کار سترگ فرهنگ نامه کودکان و نوجوانان، با راهنمایی‌های روزبه‌روز و مراقبت دائمی خانم انصاری شکل گرفت، گفت:

«همکاری ما در شورای کتاب کودک ۴۰ سال است که ادامه دارد. نوشتن مسئولیت سنگین پیش بردن آرمان شورا پس از انقلاب را، به عنوان رئیس و دبیر به عهده گرفت. همسر و شاگردان بسیار او به کمک آمدند و شورا سال‌های پرتلاطم پس از انقلاب را پشت سر گذاشت و توانست به کار و تلاش خود برای پیشرفت ادبیات کودکان و نوجوانان ایران ادامه بدهد. حضور پرثمر ایران در عرصه ادبیات کودکان جهان، چه در جمع داوران جایزه اندرسن، پژوهشگران کتابخانه بین‌المللی مونیخ و کنگره‌ها را مدیون کار بی‌وقفه او هستیم. هدایت‌های خردمندانه او، به نام و تلاش‌های ارزنده همه شورایی‌ها، ابعاد سازنده و تأثیرگذار داده است. صحنه گذاشتن او بر برنامه کار و حرکتی تازه، همواره اطمینان بخش بوده است. حمایت او از هدف‌ها، توان و ابتکار شورایی‌ها زمینه را برای شکل گرفتن سازمان‌های جدیدی مانند مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا، مؤسسه مادران امروز، بنیاد پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان و کانون توسعه فرهنگی به وجود آورد. هریک از نکته‌هایی که برشمردم، داستانی است جداگانه. بنابراین، سخن را درباره این بانوی عارف، این عزیز همگی‌مان، با صفت خاصی که در او برجسته است، به پایان می‌برم و آن، نگاه طنزآلود او به بسیاری از وقایع، صحنه‌ها، برخوردها و گفته‌هاست که بودن و کار کردن با او را دلنشین می‌کند. همه ما برای او آرزوی سلامتی و پایداری داریم.»

پس از توران میرهادی، از دکتر عباس حری، یکی دیگر از اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و معاون پژوهش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی،

دعوت شد تا پشت تریبون جاگیرد. وی در ابتدای سخنانش گفت:

«کتابدار خوب، کسی است که دوست بدارد یاد بگیرد، دوست بدارد یاد بدهد و کتابخانه را بزم محبتی سازد که درویش و توانگر، یکسان از آن بهره گیرند و انتقادهای و نظرها را با رویی گشاده



بهاالدین خرمشاهی

و این تفاوت دارد با این که کتابی را بخواهد و برای او بیاورند. دکتر محقق، سخنانش را چنین پایان داد: «از دغدغه‌هایی که همیشه خانم انصاری داشتند. این بود که کتاب و کتابخوانی را باید از کودکی در میان نسل جدید رواج دهیم. در نتیجه، با همکاری خانم توران میرهادی که به معرفی کتاب‌های خانم انصاری برای نسل جوان پرداختند، موفق به تألیف دایرةالمعارف و فرهنگ نامه کودکان و نوجوانان شدند تا آن جا که تا حالا ۹ جلد آن آماده شده است و ایشان و همکاران‌شان معتقدند که ما نباید فرهنگ کودکان‌مان را فقط بر پایه ترجمه‌های غربی قرار دهیم، بلکه باید مسائل علمی و فرهنگی کودکان ایرانی را ایرانیان و مسلمانان بنویسند. در انتها لازم است بگوییم که من تمام کارهای علمی و شهرت بین‌المللی خود را در تحقیق و تدریس، مدیون محبت و راهنمایی ایشان هستم.»

سپس استاد بهاءالدین خرمشاهی، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی، پشت تریبون جا گرفت و به ایراد سخنرانی و قرائت اشعاری پرداخت: «بنده افتخار دارم که در دهه ۱۳۴۰، در دانشگاه تهران و در دانشکده ادبیات، رشته زبان و ادب فارسی را نزد استاد مهدی محقق علم و ادب آموختم و یک دهه بعد، در اوایل دهه ۱۳۵۰، نزد همسر فرزانه گران‌قدرشان، سرکار خانم انصاری، از بنیان‌گذاران کتابداری نوین در ایران، همین توفیق را داشتم و اگر خداوند بنده را از این سعادت برخوردار نمی‌کرد، مسیر زندگی فرهنگی‌ام به کلی مسیر دیگری می‌شد، اما بحمدالله از محضر نورانی این دو بزرگوار، کمال استفاده معنوی را بردم.»



توران میرهادی

در ادامه، دبیر اجرایی فرهنگ‌نامه کودکان و نوجوانان، توران میرهادی، به ایراد سخنرانی پرداخت:

«من عنوان سختم را بانوی عارف می‌گذارم. من در سال ۱۳۴۲، با جمعی از پایه‌گذاران شورای کتاب کودک، شاگرد خانم انصاری شدم تا در حد یک کارگاه کتابداری، کتابدار شدن و اداره کتابخانه را بیاموزم. جمع ما برای کار عملی، کتابخانه پارک خیام - در شرق تهران - را تا حدودی سامان داد. این آموختن، سرآغازی شد که بیش از ۴۰ سال است ادامه دارد. هنوز هم شاگردم و می‌آموزم. کتاب‌ها و کتابخانه‌های دنیا، دانش و هنر بی‌کران بشری را در خود دارد. هر کتاب مخزنی است از اندیشه و آموخته‌ها. باز کردن در این مخزن‌های تمام نشدنی را از نوشتن آموختم.

شاگردی من به دوستی زوال‌ناپذیری مبدل شد او در لحظه لحظه زندگی من اثر گذاشت و من هم در لحظه لحظه زندگی او حضور داشتم. این چنین شد که من شاهد عارف شدن او، نه در کنج خانه، نه در سکوت اندیشیدن و نه در جلسه پیوستن به مبدأ، بلکه در پهنه جامعه بودم؛ در آن جا که دردها ژرف‌تر و چاره‌ناپذیرتر هستند، در آن جا که می‌توان آغوش گشود تا انسانی، با عمق انسانیت آشنا شود، آن جا که می‌توان سرود محبت را در محل

پذیرا باشد. این بیان متعلق به بیش از چهل سال قبل، یعنی سال ۱۳۴۲ است که خانم جوانی، در ۲۴ سالگی، در کتابچه‌ای که برای استفاده سپاهیان دانش به چاپ رساند، عنوان کرد. نوش‌آفرین انصاری، مؤلف جوان کتابچه تشکیل کتابخانه در روستا، چند سالی پیش از آن که کتابداری نوین، رسماً وارد جامعه ایران شود، با نگاهی همه جانبه، از کتابدار و کتابخانه سخن می‌راند. در این نگاه «انسان» محور قرار می‌گیرد. کتابدار به عنوان یک «انسان» باید شیفته فراگرفتن و مشتاق آموختن به انسان‌های دیگر باشد. درویش و توانگر، نه با وابستگی طبقاتی‌شان، بلکه به اعتبار انسان بودن، باید از محیط مهرآمیز کتابخانه بهره‌مند باشند و سرانجام، نظر انسان‌ها باید ارزشمند تلقی گردد و به آن‌ها توجه شود.»

دکتر حرّی به سخنانش چنین افزود: «مفهوم خدمت در کتابخانه، به گفته خانم انصاری، نوعی «ظاهرسازی اداری» نیست، بلکه کاری پرمعنا و عمیق است. این ظاهرسازی اداری بیشتر اشاره به وظایفی دارد که کلیشه‌وار برای کتابخانه‌ها به کار می‌رود و کلمه خدمت را به صورت پیشوند یا پسوند در وظایف تحریف شده کتابداران می‌توان یافت. از نظر او، خدمت هدف کتابدار و کتابخانه است و کارهای یک کتابدار، به تمامی وسیله‌ای است برای رسیدن به یک هدف و این هدف، خدمت است. ممکن است این بیان یا چنین نگرشی در عصر حاضر و برای جوانانی که در این رشته تحصیل می‌کنند، سختی بدیهی جلوه کند، ولی باید به یادداشت که این سخن، در دوره‌ای عنوان گردید که «بیبلیو کراسی» می‌رفت تا به نوعی فراروایت در رشته ما بدل شود. در چنین روزگاری بود که او تقریباً تنها در مقابل هجوم ابزارگری مسلط، قرائت دیگری از کتابداری را عنوان کرد و با فریادی هشداردهنده و نگرشی فرآورده محور، کوشید کتابداری را به مسیری دیگر بیفکند. از نظر او همه ابزارها و فرایندها می‌بایست در خدمت «خدمت» قرار گیرند. نگاه او به کتابدار به عنوان یک انسان، یادآور «عصر جدید» چاپلین است؛ عصری که نه تنها ابزار حکومت می‌کند، بلکه انسان نیز خود تبدیل به ابزار می‌شود. بیم از ابزاری شدن و ابزار شدن کتابدار، او را سخت بیمناک می‌کند و هراس از کم رنگ شدن تفکر در فرآیند تربیت کتابدار، پیوسته با اوست. تا آن جا که خود به عنوان معلم این رشته، زبان به شماتت می‌گشاید که «ما به راستی تا به حال در ایران، جمعی تکنیسین کتابخانه تربیت کرده‌ایم، و حال آن که نیاز به متفکر داریم.» تربیت کتابدار متفکر، به مثابه هدف نظام آموزشی این رشته، نه نوعی آرمان‌گرایی، بلکه نوعی حسرت «پروست» وار بر «زمان از دست رفته‌ای» است که کتابدارترین افراد، متفکرترین آن‌ها شمرده می‌شد و شاخص احراز چنین منزلتی، خوب اندیشیدن، خوب دیدن و خوب دانستن بود. او پیوسته در جست‌وجوی کتابدار متفکر است، نه مقتبس. زمانی که به نقش میانجی‌گرانه کتابدار می‌پردازد، او را به «پلی» میانه نوشته و خواننده تشبیه می‌کند. چنین پلی اگر قرار است سنگینی باری بی‌زمان و

نوش‌آفرین انصاری



بی‌انتها را تحمل کند، راهی جز این ندارد که پای در نوشته و پای دیگر در خواننده استوار سازد.

پیوند راستین میان این دو پدیده دستخوش تحول، شاهکاری است که هرگاه تحقق یابد، می‌توان بدان بالید و این مباحث می‌تواند شایسته کتابداران باشد که جز این از آنان و حرفه ایشان انتظار نمی‌رود. نگاه محققانه او به تربیت کتابدار، در واقع، به نوعی نگاه مدیریتی و برنامه‌ریزانه می‌انجامد. انتظار او از کتابدار تربیت یافته در بیانی کوتاه، اما استوار، این است که قادر باشد «هم گذشته را بشناسد، هم از وضع حال آگاه باشد و هم برای آینده پیش‌بینی کند» این سه عنصر در فرآیند «تصمیم‌گیری» که مفهومی کلیدی در رشته ماست، هرگاه برای کتابدار حاصل شود، باید چنین نعمتی را پاس دارد.

خانم انصاری از واقعیتی سخن می‌گوید که امروز نیز حضور آن حس می‌شود. به اعتقاد وی «ما کتابدار را نمی‌شناسیم یا بسیار بد می‌شناسیم، به همین دلیل، در جامعه قدر و منزلتی ندارد.» در این بدشناسی، دو سوی قضیه قصور کرده‌اند از یک سو، بی‌توجهی جامعه به پدیده دانش‌افزایی، اطلاع‌جویی و استفاده از کتابخانه به مثابه محلی برای فراگیری و اطلاع‌یابی، ناآگاهی از آن چه در ورای فعالیت‌های ظاهری کتابخانه‌ها می‌گذرد، به چنین بدشناسی می‌انجامد. و از سوی دیگر، کتابداران نیز در شناساندن خود تلاشی درخور نکرده‌اند. در این سو، وی مسئولیتی برای کتابداران قائل است و می‌گوید «گاهی به نظرم می‌رسد همان‌طور که در برخی ممالک در زمینه مبارزه با بی‌سوادی، هر با سواد یک نفر بی‌سواد را باسواد می‌کند، ما هم باید هر کدام یک نفر را «کتابدارشناس» کنیم.» اما رشته نامرئی نیز این دو بیان را - که در دو زمان متفاوت ارائه شده - به هم پیوند می‌دهد. وقتی گفته می‌شود «ما کتابدار را نمی‌شناسیم»، این «ما» هم از درون به رشته می‌نگرد و هم از بیرون. ما هم عضوی از جامعه هستیم که درباره ما داوری می‌شود و هم عضوی که خود نیز به داوری خویش می‌نشینیم. با این تعبیر، ما به خودشناسی نیز رغبتی نشان نداده‌ایم. شناخت آن چه می‌کنیم و اهمیت آن چه در بود و نبود ما صورت‌های متفاوت می‌یابد، برای خود ما نیز چندان شناخته نیست یا تلاشی جدی برای کسب

چنین شناختی نکرده‌ایم. ضعف در «خودشناسی»، به ضعف در «خودباوری» انجامیده و این بزرگ‌ترین خطری است که ما و رشته ما را تهدید می‌کند. طبعاً تا نخست به «شناختن خود» دست نیابیم، در «شناساندن خود» نیز توفیقی نخواهیم داشت.

پس از سخنرانی دکتر حرّی، خانم ثریا قزل‌ایاغ، یکی دیگر از اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران پشت تریبون جا گرفت و گفت: «سراغاز پیوند من و نوش‌آفرین انصاری، یک نامه ساده است، تقاضای بنده برای پیوستن به گروه کتابداری دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۲ و دریافت یک «نه بزرگ» از او. آغازی شگفت‌انگیز برای یک دوستی. اما در زمستان ۱۳۵۳، این صدای مهر اوست که مرا به جمع دوستانی فرا می‌خواند که در ارتباط با کودکان و



سید محمود دعایی

کتاب، با من افق فکری مشترکی دارند. می‌روم و رفتن همان و در تور نامرئی مهر او گرفتار آمدن همان. همکاری ما در شورای کتاب کودک آغاز می‌شود و از مهر ماه ۱۳۵۵، در گروه آموزشی کتابداری، شکل دیگری به خود می‌گیرد تا این لحظه نیز بدون وقفه ادامه دارد. آن چه در این سال‌های طولانی، شاهد و ناظر آن بوده‌ام در دو کلمه خلاصه می‌شود: مهر و مدارا.»

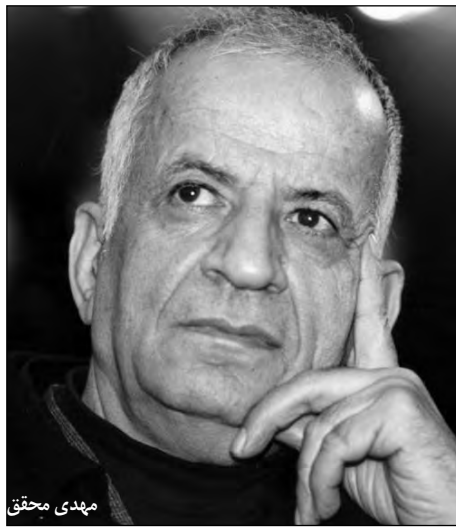
قزل‌ایاغ، در ادامه سخنانش گفت: «مسلماً در این مختصر نمی‌توان به تمام جنبه‌های مختلف شخصیت او و تأثیر غیرقابل تردید حرفه‌ای و عملی‌اش بر جامعه کتابداری و سایر تشکلهای پرداخت. لذا آن چه بیان می‌کنم، فرازهایی است از تجربه‌های شخصی که گواه

آن، حافظه مشترک همه کسانی است که در حلقه مهر او بوده‌اند، یکی از ویژگی‌های برجسته او، ایمان به ارزش خرد جمعی در اداره امور است که نتایج آن را در بیش از ۱۰ سال مدیریت او بر گروه کتابداری و ادامه آن را امروز در شورای کتاب می‌توان مشاهده کرد. همه به تلفن‌های کوتاه و یادداشت‌های تلگرافی او عادت کرده‌ایم که ما را به جلسه‌های مشورتی می‌خواند؛ آن هم در جامعه‌ای که آسیب‌های پدیده‌های از مدیریت فردی و تک‌روی در تصمیم‌گیری و خدای‌گونه به ابواب جمعی خود نگاه کردن، خورده است و می‌خورد. ویژگی تحسین‌برانگیز دیگر او که همواره مرا شگفت زده کرده، دید مثبت او به زندگی و نیمه پر هر چیز دیدن است. در سیاه‌ترین پس زمینه‌ها رگه‌های سفید یافتن و به آن آویختن و در نهایت شگفتی، به نتایج درخشان دست یافتن، هنر اوست. به همین‌گونه است ایمان به وجود خوبی در ذات هر انسان روی آن کار کردن و به فرد اعتماد به نفس بخشیدن و او را از گذرگاه‌های خطرناک عبور دادن و سرانجام، درودی صادقانه دارم بر بانوی مهر و مدارا و وجود عزیزش را در حلقه دوستان و یاران مغتنم می‌دانم و پایداری و همنشینی با او را برای همگان آرزو دارم.»

پس از قزل‌ایاغ، رویا مکتبی، کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی و از دانشجویان نوش‌آفرین انصاری به ایراد سخنرانی پرداخت:

«امروز بر آن نیستم تا خطابه عاشقانه یا احساسی ایراد کنم که اگر چنین بود، صفحه‌های بی‌شمار می‌توانستم نوشت از عشق به زنی که او را معجزه نسل ما می‌دانم. می‌گویند آدم را در شرایط دشوار باید شناخت. اگر از دشواری‌های روزمره‌ای که گاهی هم با همه کوچکی برای عاصی کردن ما

کافی هستند، بگذریم، در طول این سال‌ها خانم انصاری را در چهار موقعیت بسیار سخت دیده‌ام؛ موقعیت‌هایی که هریک برای به زانو درآوردن هر آدمی کفایت می‌کند و شگفتا که باز هم ایستاده بود و لبخند می‌زد. آن قدر استوار که می‌انگاشتم حتماً باید شکستی از درون رخ دهد و گوش می‌سپرمد تا بشنوم صدایش را و نمی‌شنیدم. شکستی در کار نبود. او به تمامی شور، زندگی و سازندگی است. این‌گونه است که به وقت مصیبت‌هایش، دلداری‌ات می‌دهد و آسوده‌خاطر می‌کند و تو می‌مانی که چگونه می‌تواند در غم از دست دادن عزیزترین عزیزانش، دیگران را تسلی دهد. گویی او به نیرویی تکیه کرده که ورای همه قدرت‌ها است؛ نیرویی که از عمق وجودش سرچشمه می‌گیرد. ما بسیار کسان



مهدی محقق

را می‌شناسیم که در ابتدای آشنایی، ما را به ساحل دریایی عمیق رهنمون می‌شوند، اما پس از اندک زمانی که شناخت حاصل شد، خود را در کنار برکه‌ای می‌یابیم. او اما هم‌چون اقیانوسی است که هرچه بیشتر می‌کاوی‌اش، شگفتی‌های بیشتری در آن کشف می‌کنی. نمی‌خواهم از او اسطوره بسازم یا چهره‌ای مافوق انسانی به او بدهم.

اما او بسیار خلاق است. از آن سان که هیچ کس را ندیده‌ام که آن قدر خلاق باشد که هرگز به بن‌بست نرسد و در پایان هرکاری ایده‌ای تازه بیافریند و باز، روز از نو، روزی از نو. شاهکار هنرمندانه او، موجودیت فعلی شورای کتاب کودک است. اگرچه ما بر این باوریم که شورا حاصل یک تلاش جمعی و عزمی همگانی

است، هم‌زمان می‌دانیم که اگر حضور او نباشد، بسیاری از گره‌ها ناگشوده خواهد ماند. او همیشه برای تمام کارها و سؤال‌های شورایی وقت دارد و دغدغه‌های شورایی همیشه با اوست، به نوعی انگار که شورای کتاب کودک، حاصل عمر اوست.» پس از سخنرانی مکتبی، اقدس کاظمی (مژگان) به قرائت اشعاری در تجلیل از مقام علمی و ادبی نوش‌آفرین انصاری پرداخت. و در انتهای مراسم، هدایا و لوح زرین انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، به نوش‌آفرین انصاری اهدا شد که هدایای هدایا، با حضور حجت‌الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی، دکتر مهدی محقق، حوری سلطانی، دکتر علی محمد کاردان و سروش نادری (نوه نوش‌آفرین انصاری) برگزار شد.

پس از هدایای هدایا، انصاری در گفتاری کوتاه گفت:

«از همه شما بی‌نهایت سپاسگزارم. خیلی از عزیزان را که در طول سال‌ها ندیده بودم، دیدم و واقعاً از حضور همه شما خوشحال شدم. احساس می‌کنم هیچ کس بی‌جهت این جا نیست. هرکس به خاطر دلش و علاقه این‌جاست. البته، این از خصوصیات جلسات انجمن است و امیدوارم که این خصوصیت ادامه پیدا کند، از هیأت مدیره و دکتر محقق تشکر می‌کنم و هم‌چنین از همه کسانی که بسیار تلاش کردند؛ چون بزرگداشت من کمی از بزرگداشت‌های دیگر دشوارتر است. آخر، خودم هم در صحنه حاضر بودم!»

خانم انصاری در بخش دیگری از سخنانش گفت: «امروز عزیزانی که این جا هستند، به احتمال زیاد به این علت حضور دارند که نگاه من به کتابداری اجتماعی را دوست دارند و نگاه من به رسالت تشکلهای مدنی را قبول دارند و با من در طول این سال‌ها همراه شدند.

من از سخنرانان گرامی بسیار متشکرم و از هدایا هم سپاسگزاری می‌کنم و سپاس قلبی من از همه عزیزانی که پدیدآورندگان کتاب «زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی نوش‌آفرین انصاری» بودند و امیدوارم دوستان به تمام اسامی این عزیزان توجه کنند. امیدوارم دوستان و همکاران گرامی، به دقت در موضوع مدیریت مطالعه، کتابداری اجتماعی و کار داوطلب تأمل کنند و کسانی که تا به حال از لذت این تجربه به دور بودند، به کاروان ما بپیوندند.»

در حاشیه مراسم:

کتاب «زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد فرهیخته و کتابدار برجسته نوش‌آفرین انصاری»، به حاضران اهدا شد.



عباس حوری